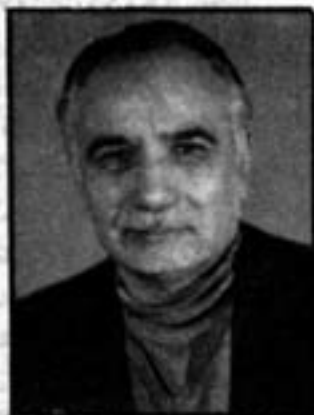


رسالة المسجد یا نداء النفاق



استاد فخرالدین حجازی

مجله ای در مکه درآمده بود بنام «رسالة المسجد» بیش از صد صفحه بارنگ و لعاب و کاغذ صیقلی و عکسها و زرق و برقها و چاپ اعلای کارفرنگ که مثلش را نه در آلمان دیده بودم، نه در امریکا و انگلیس و روس، پشت جلد منظره ای زیبا و رنگین از کعبه و مسجد الحرام و در کنارش تمثال اعلیحضرت صاحب الجلالة! ملک فهد پادشاه حجاز و در پشت جلد، حجرالاسود و باز در کنارش تمثال یک پسر بچه اشراقی مجلل که پیراهن و چغیه و عقالش عربی بود و نیم تنه اش انگلیسی و در زیر عکس نوشته بود والا حضرت صاحب السموه عبدالعزیز نجل ملک فهد!...

نفهمیدم که چرا علمای و هابی حجاز که هرگونه تمثالی را حرام میدانند و عکسهای امام مارا حتی از پشت شیشه های کاروانها بر میدارند، چگونه استبطا فرموده اند که این عکسهای روتوش شده آنها نه در کنار که در میان مقدسترین معبدی که عاکف و بادی در آن سواپند چاپ شود.

توی مجله پر بود از صدها عکس مساجد مجلی که به نفقه آل سعود در سراسر جهان بر پا شده است از گلیدن مسک (مسجد طلائی) فیلیپین که بهمت مارکوس جلاذ مسیحی و دلار نفت سعودی ساخته شده تا مسجدهای هند و پاکستان و مازنی و لندن و بروکسل و شهرهای افریقا و جاهای دیگر... که در این مسجدها آخوندهای و هابی اعزامی از رابطة العالم الاسلامی نماز میخوانند و به مسلمانها

آئین شریعت اسلام را می آموزند و از طریق حدیث و کلام، استدلال می کنند که دین از میاست جداست!!

همه جای مجله «رسالة المسجد» سخن از وحدت مسلمین بود و نهی از تفرقه و اثبات این مطلب که چون مکه ام القری و مسجد الحرام اعظم المساجد است پس حکومت حجاز هم محور قدرت و وحدت مسلمین است و نویسنده ها داد سخن داده بودند و عکسهایشان توی گل بوته های سرخ و سبز چاپ شده بود و همه جا سخن از وحدت مسلمانان بود و اتحاد مسلمین و رسالت مسجد در ایجاد این اتحاد.

ولی در یکی از صفحات آخر مجله باتیتر درشت نوشته بود (شیعه و تحریف قرآن) و از قول یک نویسنده مزدور و صهیونیست مصری آنچه به قلم پلیدش آمده بود علیه شیعه نوشته بود.

این نویسنده خود فروخته مصری از تبار همان اتورساداتی است که اسلامش را به یهود فروخت و با پای خودش به تل آیب رفت و در برابر دور بین عکاسان و فیلمبرداران برجهره خانم گلدامایر بوسه زد و در کنیسه یهود سخن از اتحاد گفت و با دشمن دیرینه خدا و رسول و مسلمانان رابطة متحابه برقرار کرد و پرچم اسرائیل غاصب را در برابر نگاههای خشم آلود مسلمانان مصری در قلب قاهره برافراشت!

در کتاب اعتقادات صدوق می نویسد:

«إِنَّ اعتقادنا أَنَّ القرآنَ الَّذِي أنزلهُ اللهُ عَلَي نبيهِ هُوَ ما بينَ الدفتينِ وما في ابدى الناسِ ليسَ باكثرَ من ذلِكَ ومن نسبَ اليَنا انا نقولُ انه اكثرَ من ذلِكَ فهو كاذبٌ علينا.»

یعنی اعتقاد ما بر این است که آنچه خداوند بر پیامبرش نازل فرموده همین قرآنی است که در دست مردم است و بیشتر از این نیست و کسی که بما نسبت میدهد که ما می گوئیم آنچه نازل شده بیشتر است بر ما دروغ می بندد

۲- شیخ مفید عالم بزرگ دیگر شیعه متوفای سال ۴۱۳ در، اوایل المقالات می نویسد:

«إنه لم ينقص من كلمة ولا من آية ولا من سورة يعني هیچ کلمه ای و آیه ای و سوره ای از قرآن کم نشده است.»

۳- سید مرتضی علم الهدی متوفای سال ۴۳۶ میگوید: «إن القرآن كان على عهد رسول الله مجموعاً مولفاً على ما هو عليه الآن»

یعنی قرآن در زمان پیامبر خدا بهمین ترتیبی که اکنون هست جمع و تألیف شده است.

۴- شیخ طوسی متوفای سال ۴۳۶ در تفسیر «تبیان» می نویسد: «و اما الكلام في زيادته ونقصانه فما لا يليق به لأن الزيادة فيه مجمع على بطلانه والنقصان منه فالظاهر ايضاً من مذهب المسلمين خلافه وهو الاليق بالصحيح من مذهبنا.»

یعنی سخن درباره زیادتی و کمی زینده قرآن نیست زیرا افزون شدن چیزی در قرآن قوی است بی اساس به اجماع همگان و کاهش چیزی از آن نیز برخلاف روش و مذهب مسلمانان بخصوص شیعیان است.

۵- شیخ طبرسی متوفای سال ۵۴۸ در تفسیر مجمع البیان مینویسد:

«أما الزيادة فيه فمجمع بطلانه واما النقصان فيه فالصحيح من مذهب اصحابنا خلافه»

یعنی زیاد شدن چیزی بقرآن بطور اجماع باطل است و اما نقصان در آن برخلاف مذهب ماست.

۶- شیخ بهائی متوفای سال ۱۰۳۱ در نفاحات الرحمن مینویسد: «والصحيح أَنَّ القرآنَ العظيمَ محفوظٌ عن ذلِكَ زيادةً كان أو نقصاناً»

یعنی صحیح این است که قرآن عظیم از زیادتی و کمی محفوظ است.

۷- علامه مجلسی متوفای سال ۱۱۱۱ در بحار الانوار مینویسد: «ان الخبر قد صح عن ائمتنا انهم امروا بقراءة ما بين الدفتين وأن لا يتعداه بل زيادةً فيه ولا نقصان منه»

یعنی خبر صحیح از ائمه (ع) رسیده است که آنچه میان این

این آقا، در مجله رساله المسجد نوشته بود که اتحاد با شیعه ناممکن است زیرا شیعه آخیت و آخطر!! فرق اسلامی است و ما زمانی میتوانیم با شیعه متحد شویم که آئین مجوس را بپذیریم!!

کلمه ام داغ شد میخواستم ناشرین این سیاه نامه را پیدا کنم و مجله را بفرقشان بگویم و یا علیه حضرت ملک فهد در ادراک کاخ قارونی طائف پیدا کنم و به او بگویم شما که به امام امت پیغام می دهید که اسلام در خطر خارجیان است و بیاید برای حفظ اسلام با هم متحد شویم آیا این است معنی اتحاد با این مجله تان! این ندای نفاق است که از رساله المسجد شما بر میخیزد دعوت به اتحاد.

عجیب است که چهارده قرن است مسلمانان شیعه و سنی در کنار هم برادر وار زندگی می کنند، در حجاز، مصر، ترکیه، عراق، لبنان، آفریقا، ایران، پاکستان و هند و دیگر جاها و اکنون در ایران اسلامی، برادران سنی ما با آزادی کامل در مساجد و مدارسشان عبادت و تعلیم و تعلم دارند و با نفقه امام مراکز اسلامی آنها آباد می شود و ده ها تن از عالمان سنی مذهب، در کنار عالمان بزرگ شیعه بدست کافران و منافقان بشهادت رسیده اند و کتابخانه های مدارس اهل تسنن پر است از مآخذ و منابع غنی و تمتع تشیع و شما در دنیائی که چین کمونیست با امریکای کاپیتالیست متحد میشود و بر ژنرال و کارتر و پاپ سریک میز می نشینند اینگونه گستاخانه به مذهب ناجیه شیعه که برخاسته از مکتب وحی و اهل بیت پاک پیامبر است میسازید و ما را پلیس ترین و خطرناکترین مذاهب میدانید و میخواهید جنگ و برادر کشی راه بیندازید؟

درست است که نویسنده یک مرتد و مزدور است ولی چرا این مقاله در مجله رساله المسجد چرا؟

کجا شیعه، معتقد به تحریف قرآن بوده است؟ شما مگر نوشته های عالمان کبار تشیع را که پاسداران شریعت غزای محمدی بوده هستند نخوانده اید که اینگونه یک امت اصیل و معتقد را در برابر سایر مسلمانان متهم و تحقیر می کنید؟

شیعه و عدم اعتقاد به تحریف قرآن

اکنون به اختصار و بمیزان حوصله این مقاله اقوال علمای بزرگ شیعه را برایتان می آورم تا میزان دروغ و تهمت شما مشخص شود و آنکه در او غش باشد سیه روی شود.

۱- شیخ صدوق عالم بزرگ شیعی متوفای سال ۳۸۱ هجری

- جلد است اتلاوت کنید و چیزی به آن اضافه و یا کم نکنید.
- ۸- شیخ جعفر کبیر نجفی (کاشف الغطاء) متوفای سال ۱۲۲۸ در کتاب کشف الغطاء
- ۹- قاضی سید نورالله شوشتری شهید بسال ۱۰۱۹ در مصائب النواصب.
- ۱۰- شیخ حسن بن زین الدین شهید ثانی بسال ۱۰۱۱ در معالم الاصول
- ۱۱- میرزا ابوالقاسم جیلانی (معروف به میرزای قمی) در قوانین الاصول
- ۱۲- ملا محمد نراقی در شرح تجرید و سایر علماء و اکابر شیعه هم قول تحریف قرآن را نفی کرده اند.
- ۱۳- یکی از علماء متأخر شیعه شش دلیل بر عدم تحریف قرآن می آورد و این شایعه دروغ را ساخته ملاحظه و زناده و باطنیه میدانند و ۱۴ قول از اکابر علمای اسلامی را در این باره ذکر می کند.
- ۱۵ و ۱۴- شیخ حر عاملی و شیخ عبدالعال کرکی هر یک رساله ای مستقل در عدم نقص قرآن نوشته اند.
- ۱۶- علامه شهر شیخ آغا بزرگ تهرانی در اثر ارزنده اش الذریعه مینویسد

هذا المجموع بعین الفاظه المنزله من غیر تصرف لاحد من البشر فیها بالضرورة من الدین الموضوع بین الدفتین
 یعنی این مجموعه همان الفاظی است که نازل شده و هیچ بشری در آن تصرف نکرده است و این مسئله از ضروریات دین است.

۱۷- شیخ جواد بلاغی در کتابی که بعنوان مجادله با اهل کتاب نوشته درباره تحریف کتب عهدین و اصالت و سندیت قرآن به استواری سخن گفته است.

۱۸- علامه امینی در کتاب بزرگ الغدیر مسئله تحریف قرآن را نفی می کند.

۱۹- علامه سید شرف الدین عاملی بحثی مستوفی در این باره نموده است.

۲۰- مرجع فقیه آیه الله بروجردی متوفای سال ۱۳۸۰ بشدت با این شایعه ناصواب بمبارزه برخاست و با احاطه ای که در علوم رجال و حدیث داشت معمول بودن احادیث مبنی بر وقوع تحریف را اثبات کرد که بخشی از تقریرات ایشان چنین است: «اما روایاتی که از طرف فریقین (شیعه و سنی) که درباره کیفیت جمع قرآن رسیده و باره ای از آنها مورد استناد طرفداران تحریف قرآن است از طرف دوستان نادان این دو گروه بمنظور بیان فضیلت و اثبات منقبت پیشوایان جعل گردیده است» و پس چنین می افزاید: «بطور اجمال باید دانست که قریب به دو سوم اخبار

و روایاتی که درباره تحریف قرآن آمده از طرف احمد بن محمد سیاری که از کتابان و منشیان آل طاهر است روایت و احتمالاً جعل شده است و ارباب علم رجال او را به فساد مذهب نسبت داده و روایتش را تضعیف کرده اند با اینکه روایات وی بیشتر مرسل بحذف و ابهام و واسطه است و در حدود یک چهارم آن اخبار را فرات بن ابراهیم کوفی صاحب تفسیر معروف، بنام وی روایت کرده و او نیز مورد قدح و طعن ارباب رجال است. مثلاً او گفته است که در آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک کلمة (فی علی) برداشته شده است در صورتیکه اگر چنین کلمه ای وجود داشت خود حضرت علی در بیانات و احتجاجات خود به آن اشاره و استناد می کرد!

این بحث کوتاه را از قول علمای بزرگ شیعه آوریم تا نویسنده گان رساله المسجد اگر چیزی میخواهند بنویسند لا اقل تحقیق کنند و مطالب مجله شان در ردیف دروغ پراکنی های نیویورک تایمز، واشنگتن پست، اسپیکل و لوموند و مجله معروف المجله که از طرف سعودیها در لندن چاپ میشود، نباشد.

ولی این حقیقت را نیز باید گفت که شیعه معتقد به تحریف در تفسیر و تاویل قرآن است و صاحب بزرگوار کتاب کافی هم چنین عقیده ای را داشته که نویسنده مغرض و بی دانش مصری آنرا بوق و کرنا کرده و پس از هزار سال علم کرده است!!

و اینکه گفته است شیعه اخبث و اخطر است کلمه اولی نثار خودش و ناشرین مجله شان و همانطور که آن شب در سخنرانی منی گفتم، اگر بخواهیم میتوانیم اخبث را با دلیل ثابت کنیم که کیست، و اما کلمه (اخطر) را قبول داریم بلی ما خطرناکم برای کافران و مستکبران و صهیونیستها و استعمارگران شرق و غرب نه برای یک میلیاردمسلمان عزیز و مظلوم که اکثریتشان در چنگال حکومت های اخبث هستند.

امام ما بکرات برادری شیعه و سنی را تأکید فرموده اند و تفرقه بین برادران مسلمان را توطئه دشمنان دانسته اند و مسلمانان سنی مذهب هم انقلاب اسلامی ایران را تجلیل و تکریم می کنند و همه باهم برادریم و حبل المتین مآقرآن است که در دست همه مسلمانان یکی است بدون تحریف و تغییر، و این مزدوران بیگانه و عاملان صهیونیست هستند که میخواهند بین مسلمانان، تفرقه پدید آورند و این تهمت ها را بشیعه میزنند شیعه ای که از خاندان پاک پیامبر پیروی می کنند و بیشترین سهم را در رنگبانی اسلام دارند.